

ننوشته‌های تعزیه

علوم وقوانین نائوشته تعزیه

www.ketab.ir

تألیف

علی اکبر قدوسیان

سرشناسه	:	قدوسیان، علی اکبر، ۱۳۳۲
عنوان و نام پدیدآور	:	نانونشته های تعزیه: علوم و قوانین نانونشته تعزیه / تألیف
علی اکبر قدوسیان.		
مشخصات نشر	:	تهران: کلام سلیس، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	:	۱۶۸ ص.: مصور (بخشی رنگی)، جدول، نمونه.
شابک	:	۹۷۸-۶۲۲-۹۸۹۳۳-۴-۰
وضعیت فهرست نویسی	:	فیپا
عنوان دیگر	:	علوم و قوانین نانونشته تعزیه.
موضوع	:	تعزیه
		Ta'ziah
		بازیگری تعزیه
		Ta'ziah acting*
		تعزیه خوانان
		Ta'ziah players*
رده بندی کنگره	:	PIR۳۸۳۴
رده بندی دیویی	:	۸۵۷۲/۰۵۷۴
شماره کتابشناسی ملی	:	۸۶۸۰۴۹۶
اطلاعات رکورد کتابشناسی	:	فیپا
تاریخ درخواست	:	۱۴۰۰/۰۹/۲۲
تاریخ پاسخگویی	:	
کد پیگیری	:	۸۶۷۹۵۹۹



عنوان کتاب: نانوشته های تعزیه (علوم و قوانین نانوشته بحریه)

مؤلف: علی اکبر قدوسیان

ویراستار: مریم قاسم زاده

صفحه آرا: مهدیه سادات دادخواه حقیقی

ناشر: کلام سلیس

چاپ اول: پاییز ۱۴۰۰

شمارگان: ۱۵۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۸۹۳۳-۴-۰

آدرس: تهران، م شهدا، خ مجاهدین اسلام، خ شهید عظیم زادگان، بن بست اول،

پ ۱، ط ۱

تلفن: ۰۹۲۰۱۳۹۸۱۱۰

آدرس الکترونیکی: kalam.salis.pub@gmail.com

فهرست

۷	درباره مؤلف
۱۳	مقدمه
۱۹	درس اول: تعریف ساده تعزیه
۲۳	درس دوم: پیدایش تعزیه
۲۷	درس سوم: ویژگی های تعزیه خوان
۳۳	درس چهارم: تعزیه از چند بخش تشکیل شده است
۴۱	درس پنجم: پیش واقعه
۴۵	درس ششم: هنرهای تشکیل دهنده تعزیه
۵۵	درس هفتم: نمایش رثا، نمایش مصولیک
۶۳	درس هشتم: صداها
۶۹	درس نهم: مبانی تعزیه
۷۷	درس دهم: جنگ در تعزیه
۸۵	درس یازدهم: اُشتلم خوانی
۹۱	درس دوازدهم: تعزیه مضحک
۹۵	درس سیزدهم: تقسیم بندی مجالس
۹۹	درس چهاردهم: زمینه مجالس تعزیه
۱۰۳	درس پانزدهم: نماز در تعزیه
۱۰۷	درس شانزدهم: منابع تعزیه
۱۱۱	درس هفدهم: معرفی هفت دستگاه ردیف موسیقی ایرانی
۱۱۷	درس هجدهم: گوشه و آوازهای موسیقی تعزیه شهادت حضرت علی اکبر (ع)
۱۲۵	درس نوزدهم: گوشه و آوازهای موسیقی تعزیه مجلس شهادت حر ریاحی ..
۱۳۱	درس بیستم: رنگ در تعزیه
۱۳۹	تصاویر

در تعزیه، مثل تمام نمایش‌ها، هیچ حرکتی بی دلیل نیست. اگر دلیلی برای بودن در صحنه نداشتید، یعنی اشتباه ایستاده‌اید. هر وقت در هر نقشی بودید، از سیاهی لشکر تا امام و اهل بیت علیهم‌السلام، این را بدانید که مردم شما را می‌بینند؛ پس هیچ حرکت اضافه‌ای انجام ندهید. اگر نیزه به دست دارید، یعنی نقش شما نگهبان است و نباید حرف بزنید یا نقش دیگری مثل ساقی و... را ایفا کنید. نگهبان باید استوار بایستد و نباید به نیزه تکیه کند. یا مثلاً اگر بین نمایش تعزیه وسیله‌ای لازم شد او نباید نقش خود را رها کند و به دنبال آن وسیله بروه. این مقررات برای تمام نقش‌ها است. اگر در صحنه هستید ولی زمان خواندن شما نیست، نباید حرکت اضافه‌ای انجام دهید. مثلاً وقتی شمر ورودیه می‌خواند و با ایست وارد مجلس می‌شود، و یا هر کدام از افراد در حال ایفای نقش خود هستند، بقیه نباید بی‌توجه باشند یا با یکدیگر صحبت کنند. با این کار توجه مردم جلب می‌شود و از جریان تعزیه خارج می‌شوند. این کار همچنین بی‌احترامی به شخص تعزیه‌خوان است. هر حرکتی در تعزیه باید منطق داشته باشد؛ مثلاً وقتی حکم می‌خواهد با گرز بر فرق مبارک حضرت عباس علیه‌السلام بزند، و فراموش کرده که آن را کجا گذاشته است، نباید سکینه‌خوان گرز را به او بدهد تا فرق عمویش را بشکافد. در این مواقع سیاهی لشکر یا تعزیه‌گردان باید کمک کنند.

یا اینکه پس از شهادت یاران امام علیه‌السلام، اولین نفری که از بنی‌هاشم به میدان می‌رود، علی اکبر علیه‌السلام است. ابن سعد به منقذ دستور می‌دهد: «منقذ مره ای ستم‌گستر / یک نظر کن تو بر علی اکبر / کشته از ما هزار و

نهصد تن / فکر بکری بکن تو ای پرفن» و منقذ جواب می دهد. طبق نسخه، ابن سعد خیلی موافق جنگ نبود. وقتی پس از شهادت اصحاب امام علیه السلام، اولین شخص از بنی هاشم یعنی حضرت علی اکبر علیه السلام به میدان می آید، ابن سعد به منقذ دستور می دهد که علی اکبر علیه السلام را بکش و از طرفی می گوید که «رحم کن ای لعین بی پروا / که جوان است و یکه و تنها». این تناقض گویی ها مبنای تاریخی ندارد. هیچ دلیلی وجود ندارد تا ابن سعد که فرمانده لشکر اشقیاء در کربلا بوده و راه را بر امام سد کرده است، از کشتن فرزندان رسول خدا بیم داشته باشد و در مقام دلسوزی چنین ابیاتی را بر زبان بیاورد. این در حالی است که در تعزیه عباس علیه السلام ابن سعد به راحتی به حکم می گوید «حکم ابن طفیل ای خناس / بشکن فرق حضرت عباس» حالا چطور ممکن است که همین ابن سعد در شهادت علی اکبر علیه السلام دودل می شود و گاه مانع منقذ شده و گاه او را رها می کند. جالب این است که در این میان شمر و لشکریان هم جلوی منقذ را سد کرده و سپس جنگ به راه می اندازند تا منقذ ضربه آخرش را بزند.

در مجلسی سکینه علیه السلام خنجری می خواهد و می گوید «بگیر خنجر بیژر زبانم» اگر یکی از اشقیا خنجرش را بیرون کشد و به او دهد و یا یکی از تعزیه خوان ها که آن روز نسخه ندارد و کنار مجلس نشسته است، به رختکن برود و خنجری بیاورد، آیا در ذهن مردم سؤال ایجاد نمی شود که این خنجر از کجا آمده و چه کسی آن را آورده است؟ در تعزیه حرکت ها باید دلیل داشته باشند. وقتی شخص در تعزیه نقش و لباسی ندارد، در آن مجلس غریبه است و فقط میتواند در کارهای پشت صحنه کمک کند؛ نه اینکه وارد صحنه شده و در جریان تعزیه مؤثر باشد. گاهی ممکن است ببینیم سکینه علیه السلام از قبل، خنجر را زیر فرش سکو گذاشته و از آنجا بیرون می آورد؛ که در اینجا باز هم برای مخاطب سؤال پیش می آید که چرا خنجر زیر فرش صحنه بود؟ تمام این مثال ها نشان دهنده غیرمنطقی بودن

کاری است که در اصل باید منطقی و مستدل باشد. برای هر مشکل راه حلی وجود دارد. در مثالی که ذکر شد، وجود خنجر اصلاً ضروری نیست و کلام گویای منظور تعزیه خوان می باشد. مثلاً اگر پدری پسرش را تهدید کند که در صورت انجام دادن کاری او را چوب می زند، لازم نیست حتماً چوبی آنجا باشد. منظور سکینه علیه السلام هم چنین است که اگر سخن ناصوابی گفته ام، زبانم سزاوار بریده شدن با خنجر است. در اینجا از کنایه استفاده شده است و مستمع از کلام مقصود گوینده را درمی یابد و نیازی به خنجر آوردن نیست. اگر هم وجود خنجر خیلی ضرورت داشت، می تواند آن را از کمر علی اکبر علیه السلام باز کند و بگوید «بگیر خنجر ببر زبانم».

می بایست برای بهتر و منطقی تر شدن اجرای تعزیه، اصول و قوانین آن را تا جایی که می دایم نشر دهیم. در چهارچوب این اصول قطعاً بدون ایراد و اشکال نیستیم؛ اما سعی می کنیم قوانین رایج در تعزیه را که تمام تعزیه خوان های بزرگ و باتجربه اجرا کرده و می کنند به نسل جدید منتقل کنیم. با این امید که در درگاه حضرت سیدالشهدا علیه السلام مقبول افتد و کمکی هرچند اندک به دستگاه عزاداری حضرتش باشد.